

بررسی نقش دیپلماسی ایرانی در جلوگیری از ریاست عراق در هفتمین و هشتمین دوره جنبش عدم تعهد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱۲

تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۴/۲

سجاد راعی گلوچه^۱

چکیده

در طول جنگ تحمیلی هشت ساله، کشور عراق در عرصه سیاست خارجی و دیپلماسی تلاش‌های زیادی علیه جمهوری اسلامی ایران با هدف فریب افکار عمومی جهانیان و سرپوش گذاشتن به جنایات و تجاوزات خود انجام داد. دولتمردان عراقی سعی داشتند با در پیش گرفتن دیپلماسی فریب و همکاری ظاهری با سازمان‌های تأثیرگذار بین‌المللی، اهداف خود را پیش ببرند. یکی از موارد و مصادیق عینی آن، تلاش برای میزبانی هفتمین و هشتمین اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد و به دنبال آن ریاست سه‌ساله بر جنبش عدم تعهد بود. دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران از ابتدای طرح آن در ششمین اجلاس سران در هاوانا به مخالفت جدی و عملی با آن پرداخت و برای جلوگیری از تحقق این موضوع به اقدامات فشرده‌گوناگونی دست زد و در نهایت نیز موفق به تغییر محل اجلاس سران از بغداد به دهلی نو شد. در ادامه، حتی تمهیدات عراق برای میزبانی هشتمین اجلاس سران را نیز با در پیش گرفتن دیپلماسی فعال خنثی کرد. این مقاله با مستندات تاریخی به بررسی ابعاد و زوایای موفقیت تلاش‌های دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی در این زمینه می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: ایران، جنبش عدم تعهد، دیپلماسی، اجلاس سران جنبش عدم

تعهد، بغداد، دهلی نو

۱. دانشجوی دوره دکتری تخصصی تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه تهران

یکی از جدی‌ترین موضوعاتی که وزارت امور خارجه در دوره ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای پیگیری کرد و به ثمر نشست تغییر محل برگزاری هفتمین اجلاس سران غیرمتعهدها از بغداد به دهلی نو و همچنین جلوگیری از برگزاری هشتمین اجلاس در عراق بود که در آن زمان اهمیت بسیار زیادی داشت و به تعبیر دکتر علی‌اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه وقت، اهمیت آن از آزادی خرمشهر کمتر نبوده است. این مسئله نخستین آزمون برای نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در جنبش عدم تعهد در سال‌های آغازین عضویت بود و عدم موفقیت در آن می‌توانست مشکلات و تنگناهای زیادی در تعاملات دیپلماتیک کشور داشته باشد.

پس از ناکامی عراق در میزبانی اجلاس هفتم، مقامات دستگاه دیپلماسی آن کشور درصدد برآمدند با بهره‌گیری از فضای ناشی از ناکامی در میزبانی هفتمین اجلاس به عنوان ابزاری روانی و تبلیغاتی برای کسب ریاست اجلاس هشتم و ریاست سه‌ساله پیرو آن بر جنبش، شکست قبلی را جبران کنند. اما این بار نیز دیپلماسی ایرانی با تلاش بی‌وقفه، باز هم دیپلماسی عراق را ناکام گذاشت. این مقاله در صدد بررسی دقیق و مستند مراحل و چگونگی نقش‌آفرینی دستگاه دیپلماسی کشور در این زمینه می‌باشد.

سؤال اصلی مقاله حاضر این است که چرا با وجود حمایت اکثریت اعضای تأثیرگذار جنبش از عراق، دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی به این موفقیت‌ها دست یافت؟ و تأثیرات و پیامدهای این موفقیت‌های دیپلماتیک، در رابطه با جنگ عراق با ایران و جایگاه بین‌المللی آن چه بود؟

اهمیت و نقش دیپلماسی در تأمین منافع دولت‌ها

دیپلماسی به فن اداره سیاست خارجی و یا تنظیم روابط بین‌المللی اطلاق می‌شود (قوام، ۱۳۷۲: ۲۰۷). ابزاری که دیپلماسی در اختیار دارد عبارت است از: اقتناع، مصالحه و تهدید به کاربرد زور. هنر دیپلماسی در این است که با تأکید مناسب و درست بر هر یک از این ابزار در زمان خاص، بهره لازم را برای تأمین منافع و مصالح دولت متبوع ببرد. یکی از کارکردهای مهم دیپلماسی، مبارزه دولت‌ها برای بقا و یا دستیابی به برتری به شیوه‌ای صلح‌آمیز است (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۰۴). واقع‌گرایی سیاسی در سیاست خارجی نیز اتخاذ و اعمال آن نوع سیاست و دیپلماسی است که مخاطرات را به حداقل و منافع را به حداکثر برساند (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۱۵). مورگنتا برای دیپلماسی چهار وظیفه را بر می‌شمارد:





۱. دیپلماسی باید اهداف خود را با توجه به قدرتی که به‌طور بالفعل و بالقوه برای تعقیب این اهداف در اختیار دارد، تعیین کند.

۲. دیپلماسی باید اهداف سایر دولت‌ها و قدرت بالفعل و بالقوه آنها برای تعقیب این اهداف را برآورده کند.

۳. دیپلماسی باید تعیین کند این اهداف مختلف تا چه حد با یکدیگر سازگار هستند.

۴. دیپلماسی باید ابزار مناسبی را برای تعقیب این اهداف بکار گیرد. عدم موفقیت در انجام هر یک از این وظایف، موفقیت سیاست خارجی و همراه با آن صلح جهانی را در معرض خطر قرار می‌دهد (همان: ۸۴۶ - ۸۴۵).

یکی از مفروض‌های نظریه واقع‌گرایی که با موضوع مورد بررسی مقاله حاضر هم مطابقت دارد، این است که سیاست خارجی را صرفاً می‌توان از راه بررسی رفتارهای سیاسی انجام شده و پیامدهای قابل پیش‌بینی این رفتارها تعیین نمود. بدین ترتیب، می‌توان آنچه را که دولت‌مردان واقعاً انجام داده‌اند درک کرد. از پیامدهای قابل پیش‌بینی رفتارهای آنها نیز می‌توان حدس زد که اهداف آنها چه بوده است (همان: ۶).

یکی از کارکردهای دیپلماسی، ارتباط بین رهبران سیاسی کشورها و دیگر واحدهای جهان سیاست است. دیپلماسی هنر پیشبرد منافع ملی از طریق تغییر تلقی‌ها و رفتارها می‌باشد (گنجی‌دوست، ۱۳۸۷: ۱۹۴). رویکرد دیپلماتیک ایران در دوره‌های مختلف تاریخی و به ویژه در دوره هشت ساله جنگ تحمیلی از این قاعده مستثنی نیست. این موضوع به ویژه بر موضوع مورد مطالعه این مقاله قابل اطلاق است. علی‌رغم رویکرد قهرمحور برآمده از ایدئولوژی انقلابی که بر سیاست خارجی ایران نسبت به سازمان‌های بین‌المللی در این دوره حاکم بود، دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی با درک اهمیت جنبش عدم تعهد، به دنبال ایفای نقشی تأثیرگذار در این سازمان بودند، که نقطه اوج این سیاست، تلاش برای ممانعت از برگزاری اجلاس‌های مختلف جنبش در عراق در خلال سال‌های جنگ تحمیلی بود.

جنبش عدم تعهد^۱

جنبش عدم تعهد در سال ۱۳۴۰ شمسی در اوج جنگ سرد و فضای دوقطبی بین غرب و شرق، با هدف وحدت میان کشورهایی که در اردوگاه‌های کمونیسم و کاپیتالیسم قرار نداشتند، تشکیل شد. گام اصلی و اولیه تشکیل جنبش عدم تعهد در کنفرانس آسیا - آفریقا در باندونگ اندونزی در آوریل ۱۹۶۰ میلادی برداشته شد که طی آن ۲۹ نفر از سران کشورهای قبلی کشورهای استعمار شده به حساب می‌آمدند با هدف

1. Non-Aligned Movement

تعیین و ارزیابی مسائل جهانی در اندونزی گردهم آمدند (عبدالرشیدی، ۱۳۶۵: ۲۲). در اثر نتیجه حاصله از کنفرانس باندونگ، کشورهای عضو جنبش در خلال پانزدهمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم به گسترش اعضا گرفتند و در همان سال ۱۷ کشور جدید آفریقایی و آسیایی به عنوان عضو جدید پذیرفته شدند. نقش اصلی در این فرآیند را رهبران برخی کشورها از جمله جمال عبدالناصر رییس جمهور مصر، جواهر لعل نهرو نخست وزیر هند، احمد سوکارنو رهبر استقلال اندونزی، یوسیپ بروز تیتو رهبر یوگسلاوی و قوام نکرومه رهبر غنا ایفا کردند. شش سال پس از کنفرانس باندونگ، کشورهای عضو جنبش عدم تعهد یک مبنای وسیع تر جغرافیایی را در اولین کنفرانس سران در بلگراد در سپتامبر ۱۹۶۱ بنا نهادند (صالحی، ۱۳۹۱: ۲۱). بنیانگذاران جنبش عدم تعهد ترجیح دادند برای جلوگیری از الزامات بروکراسی یک سازمان، این تشکل را به عنوان جنبش معرفی کنند. مهم ترین اهداف تعیین شده این جنبش عبارت بود از: حق تعیین سرنوشت، حاکمیت و استقلال ملی، عدم الحاق به پیمان های نظامی چندجانبه، استقلال عمل کشورهای عضو در مقابل نفوذ بلوک بندی های سیاسی قدرت های بزرگ، مبارزه با امپریالیسم، نفی نژادپرستی و اشغال خارجی، دموکراتیزه کردن روابط بین الملل و همکاری اقتصادی بر اساس اصل برابری در حاکمیت. در واقع روح اصلی اهداف بنیانگذاران جنبش عدم تعهد، نفی سلطه قدرت های سلطه گر و مبارزه با بی عدالتی در نظام بین الملل بوده است (عبدالرشیدی، ۱۳۶۵: ۲۴). هم اکنون ۱۱۸ کشور جهان که تقریباً بیش از دو سوم اعضای سازمان ملل متحد را تشکیل می دهند، عضو جنبش عدم تعهد می باشند. سران کشورهای عضو جنبش هر ۳ سال یک بار در اجلاسی با همین نام گرد هم می آیند. تاکنون ۱۶ اجلاس سران برگزار شده است (صالحی، ۱۳۹۱: ۲۸).

تاریخچه عضویت، فعالیت و تعامل جمهوری اسلامی ایران در جنبش عدم تعهد

پس از سرنگونی حکومت پهلوی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی در ایران، ساختار نظام دوقطبی دوران جنگ سرد همچنان باقی بود. از این رو، براساس منطق و ساختار نظام دوقطبی و جنگ سرد، ایران باید همچنان خود را با یکی از دو ابرقدرت متحد می ساخت. اما چنین اتفاقی نیفتاد و جمهوری اسلامی ایران سیاست خارجی خود را بر مبنای اصل «نه شرقی، نه غربی» تعریف کرد. مهم ترین اولویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در ابتدای تأسیس پایان دادن به اتحاد با غرب، به ویژه آمریکا بود. بنابراین، در ۲۲ اسفند ۱۳۵۷ ایران از عضویت پیمان سنتو خارج شد (نوازی، ۱۳۸۱: ۱۲۹-۱۲۸)؛ در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۸ قرارداد

کاپیتولاسیون را که در سال ۱۳۴۳ با آمریکا به امضا رسیده بود، لغو کرد (اسماعیلی، ۱۳۸۰: ۱۸۷). همچنین در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ پیمان دفاعی ایران و آمریکا را ملغی اعلام کرد. در نتیجه، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با فضای مناسب‌تر و مساعدتری به تکوین و تثبیت جایگاه و نقش‌آفرینی خود در ساختار منطقه و نظام بین‌الملل و سیاست کناره‌گیری از قدرت‌ها پرداخت (حاج‌یوسفی، زمستان ۱۳۸۱: ۱۰۸).

توجه و اعتنا به قاعده اسلامی و قرآنی «نفی سبیل»^۱ در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز به مثابه سکویی برای تغییر سیاست وابستگی و اتحاد با غرب حکومت پهلوی، به اتخاذ اعمال سیاست عدم تعهد در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود. اصل قرآنی قاعده نفی سبیل یکی از اصول متقن و محکم سیاست خارجی و حاکمیت دینی است که منبع آن قرآن، احادیث نبوی و اجماع فقها می‌باشد. این اصل هرگونه سلطه کفار بر مسلمانان را صریحاً نفی می‌کند (حسینی ترکستانی، بهار ۱۳۸۹: ۲۳۰ - ۲۱۲). در این راستا، برقراری، توسعه و تقویت رابطه با کشورهای اسلامی و غیرمتعهد و مستضعفان جهان به اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد. از سوی دیگر، اصول ۱۵۲ و ۱۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری را نفی کرده و به عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر تأکید کرده است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹: ۱۱۱-۱۱۰). از آنجا که اکثر کشورهای غیرمتعهد را کشورهای اسلامی تشکیل می‌داد و اکنون نیز چنین است، بنابراین عضویت در این سازمان برای جمهوری اسلامی ایران، جزو تکالیف سیاست خارجی محسوب می‌شد.

با تحولاتی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به وقوع پیوست، شرایط لازم برای اجرای سیاست عدم تعهد نیز فراهم شد و جمهوری اسلامی ایران حائز شرایط عضویت در جنبش عدم تعهد گردید. شرایط و معیارهای عضویت در جنبش عدم تعهد که از سوی پایه‌گذاران نخستین جنبش مورد تصویب و تأکید قرار گرفته شده به شرح زیر است:

۱. داشتن سیاست مستقل بر مبنای همزیستی مسالمت‌آمیز،
 ۲. پشتیبانی از نهضت‌های آزادیبخش،
 ۳. عدم وابستگی به اتحادیه‌های نظامی،
 ۴. نداشتن هیچ‌گونه اتحاد نظامی دوجانبه با هیچ‌یک از قدرت‌های بزرگ، و
 ۵. خودداری از ایجاد پایگاه‌های نظامی خارجی در خاک خود (صالحی، ۱۳۹۱: ۳۳).
- یک ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، ایزیدورو مالمیرکا، وزیر خارجه کوبا

۱. سوره نساء، آیه ۱۴۱: «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً».



اعلام کرد که سیاست جدید ایران به این کشور اجازه می‌دهد به جمع کشورهای غیرمتعهد بپیوندد. وی اعلام کرد دولت ایران پس از پیروزی انقلاب، اقدامات مهمی در جهت تغییر روابط اقتصادی و سیاسی بین‌المللی انجام داده که با هدف‌های جنبش عدم تعهد سازگاری دارد. وزیر خارجه کوبا که در تدارک برگزاری کنفرانس سران کشورهای غیرمتعهد در هاوانا بود، کناره‌گیری ایران از پیمان منطقه‌ای سنتو را شرط لازم برای عضویت ایران عنوان کرد. در خرداد ماه ۱۳۵۸، وزارت امور خارجه ایران اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران به جنبش غیرمتعهدها خواهد پیوست و در کنفرانس هاوانا شرکت خواهد کرد. پس از این، دفتر هماهنگی جنبش عدم تعهد اعلام کرد که ایران درخواست رسمی عضویت را به کشور سریلانکا، رئیس دوره‌ای جنبش ارائه کرده است. به دنبال این خبر یک هیئت از وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در جلسات دفتر هماهنگی جنبش در کلمبو شرکت کرد. در این اجلاس، عضویت ایران تصویب شد و تصویب نهایی آن به کنفرانس اجلاس سران در هاوانا ارجاع گردید (عبدالرشیدی، ۱۳۶۵: ۳۵۴-۳۵۳).

عاقبت در ششمین کنفرانس سران جنبش عدم تعهد در هاوانا، پایتخت کوبا که در اکتبر ۱۹۷۹ / شهریور ۱۳۵۸ برگزار شد جمهوری اسلامی ایران رسماً به عضویت کشورهای غیرمتعهد درآمد و در آن اجلاس، هیئتی از ایران به ریاست ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه وقت جمهوری اسلامی ایران، حضور یافت (هدایتی خمینی، ۱۳۶۵: ۶).

از نکات جالب در رابطه با ایران این بود که در کنفرانس روز ۱۸ شهریور ۱۳۵۸، به احترام شهدای ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ یک دقیقه سکوت اعلام شد (عبدالرشیدی، ۱۳۶۵: ۳۵۴). ابراهیم یزدی در کنفرانس سران سخنرانی کرد (ایران و جنبش عدم تعهد به روایت اسناد...، ۱۳۹۱: ۱۷۱-۱۵۹). نکته مهم دیگر کنفرانس در رابطه با ایران این بود که بندهای ۱۳۹، ۱۴۰ و ۱۴۱ به‌طور کامل به ایران اختصاص یافت و در آن نسبت به پیروزی تاریخی مردم ایران و سرنگونی رژیم پشین و ایجاد امیدواری برای تمام مردم جهان در به دست آوردن آزادی و تحکیم استقلال خود، ابراز مسرت شد. در بیانیه پایانی اجلاس هاوانا، از قطع روابط ایران با اسرائیل و آفریقای جنوبی، همچنین خروج ایران از پیمان سنتو استقبال به عمل آمد (صالحی، ۱۳۹۱: ۲۱).

اهمیت میزبانی هفتمین کنفرانس سران جنبش عدم تعهد برای عراق

هم‌زمان با حمله نظامی عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران، این کشور تلاش گسترده‌ای را برای کسب میزبانی هفتمین کنفرانس سران غیرمتعهدها انجام داد و در این راه برخی اعضای جنبش که مخالف ایران بودند برای نشان دادن مخالفت و کینه خود نسبت به

جمهوری اسلامی از میزبانی عراق پشتیبانی می‌کردند. نکته مهم در تلاش‌های عراق برای میزبانی این بود که برخلاف تمام اصول و موازین بین‌المللی و اصول جنبش عدم تعهد با حمایت گسترده قدرت‌های سلطه‌گر جهانی برضد یک عضو جنبش عدم تعهد (ایران) حمله نظامی انجام داده بود و تلفات انسانی و خسارات مادی و معنوی جبران‌ناپذیری را بر آن تحمیل کرده بود. به عبارت دیگر، این نخستین و بزرگ‌ترین جنگ بین دو کشور عضو جنبش عدم تعهد بود که در جریان آن آرمان‌ها، شعارها و اصول جنبش عدم تعهد به‌طور آشکار و در سطح وسیعی پایمال می‌شد. همچنین نخستین بار بود که یک کشور متخاصم و متجاوز به کشور غیرمتعهد دیگر، می‌خواست میزبانی کنفرانس سران کشورهای غیرمتعهد را برعهده بگیرد.

اقدامات دیپلماتیک ایران برای تغییر محل برگزاری هفتمین اجلاس سران

جمهوری اسلامی ایران، عراق و رهبر آن کشور را به دلیل تجاوز نظامی به تمامیت ارضی ایران و زیر پا گذاشتن اصول عدم تعهد، فاقد کمترین صلاحیت برای میزبانی کنفرانس می‌دانست. بنابراین، تحرکات دیپلماتیک گسترده‌ای را برای جلوگیری از قطعی شدن برگزاری اجلاس سران در بغداد آغاز کرد (عبدالرشیدی، ۱۳۹۰: ۳۸۹). مقامات ارشد جمهوری اسلامی ایران بر این عقیده بودند که برگزاری اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد در عراق که یک کشور متجاوز نسبت به کشور همسایه‌اش، به پایمال نمودن حیثیت جنبش عدم تعهد منجر خواهد شد (چهار سال با مردم، ۱۳۶۴: ۱۳۷).

وزارت امور خارجه دست‌کم از بهمن ۱۳۶۰ تحرکات دیپلماتیک خود را آغاز کرد و وزیر امور خارجه وقت (دکتر علی‌اکبر ولایتی) در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های خود موضع قطعی جمهوری اسلامی ایران را مبنی بر عدم صلاحیت عراق برای میزبانی اعلام کرد. سخنگوی وزارت امور خارجه، رضا علوی در ۱۳ بهمن ۱۳۶۰ با اشاره به تجاوز عراق به محدوده سرزمینی جمهوری اسلامی ایران و نقض اصل عدم تجاوز به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول جنبش با برگزاری هفتمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در بغداد مخالفت کرد (کیهان، شماره ۱۱۵۰۰: ۱۳). وزیر امور خارجه در ۱۴ بهمن ۱۳۶۰ درباره ملاقاتش با مقامات ارشد کوبایی در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک می‌گوید: «در ملاقات با مقامات ارشد کوبایی در سازمان ملل، مخالفت خود را با برگزاری کنفرانس آینده جنبش عدم تعهد در بغداد اعلام کرده و گفتم عراق با اقدامات تجاوزکارانه خود اصول نهضت را نقض کرده است و خواستم این مسئله در



کنفرانس آینده‌ وزرای خارجه غیرمتعهدها در هاوانا مطرح شود» (ولایتی، ۱۳۸۸: ۱۰۱ - ۱۰۰). ولایتی از ۱۵ تا پایان بهمن ۱۳۶۰ نیز با رئیس جمهور یوگسلاوی، نخست‌وزیر هند و مقامات سوری دیدار و گفتگو کرد. در این مذاکرات وی تأکید داشت که: «اصلاً مخالفیم که عراق عضو غیرمتعهدها باشد، چه رسد به اینکه بغداد محل تشکیل اجلاس غیرمتعهدها باشد» (کیهان، شماره ۱۱۵۰۴: ۱۳). طرفین، به‌ویژه مقامات سوری نیز در پاسخ اعلام کردند که: «ما اعتقاد داریم صدام چنین اهلیتی (میزبانی اجلاس غیرمتعهدها) را ندارد و محل آن باید در جای دیگری باشد... ما انقلابی هستیم و بایستی صریح باشیم و تمام کوشش خودمان را به کار ببریم تا محل آن را تغییر دهیم». وزیر خارجه سوریه گفت: «ما با شما هم‌صدا هستیم که یا صدام سرنگون شود و یا محل اجلاس تغییر کند» (همان: ۱۳۲ - ۱۳۱). آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت، در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۶۱ در مصاحبه‌ای با شبکه تلویزیونی T.B.S ژاپن در مورد تلاش عراق برای میزبانی کنفرانس سران جنبش عدم تعهد گفت:

«اگر کنفرانس در بغداد تشکیل شود، ما شرکت نمی‌کنیم و ما اصولاً عراق را جزء غیرمتعهدها نمی‌دانیم. عقیده ما این است که وقتی کشوری مثل عراق ارتباط تأثیرپذیرنده‌اش با کشورهای صددرد متصل به آمریکا مثل اردن و غیره در آن حدی است که امروز هست، این نمی‌تواند غیرمتعهد باشد، علاوه بر اینکه از اصول غیرمتعهدها هم که یکی از آن اصول، عدم تجاوز به مرزهای دیگران است تخطی کرده، بنابراین، شایستگی عضویت در این مجمع را ندارد و لذا، اگر کنفرانس در بغداد تشکیل شود ما شرکت نخواهیم کرد و اصولاً عراق را عضو جامعه غیرمتعهدها نمی‌شماریم. لکن ما فکر می‌کنیم تا آن زمان این وضعیت برای بغداد باقی نخواهد ماند» (مصاحبه‌ها!... در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲، ۱۳۶۶: ۱۹).

آیت‌الله خامنه‌ای، در مرداد ۱۳۶۱ به رؤسای ۲۳ کشور عضو جنبش عدم تعهد نامه نوشت و ضمن تشریح عدم صلاحیت کشور عراق و جنایات صدام علیه مردم ایران و نقض منشور غیرمتعهدها، از آنها خواست با تغییر محل هفتمین اجلاس سران از بغداد به پایتخت دیگری موافقت کنند:

«پیشنهاد مشخص ما آن است که زمان و مکان تشکیل این اجلاس تغییر یابد و این اجلاس با فاصله منطقی در یکی دیگر از کشورهای داوطلب میزبانی انجام گیرد. اطمینان دارم که این اقدام، احیاکننده روح جنبش عدم تعهد و تضمین‌کننده آن خواهد بود» (ایران و جنبش عدم تعهد به روایت اسناد...، ۱۳۹۱: ۲۲۸ - ۲۲۳).

اجلاس هاوانا و تصمیم‌گیری در مورد محل برگزاری هفتمین اجلاس سران

عمده‌ترین دستور کار اجلاس وزیران امور خارجه جنبش عدم تعهد در هاوانا که از ۱۰ تا ۱۵ خرداد ۱۳۶۱/۳۱ مه تا ۵ ژوئن ۱۹۸۲ در هاوانا، تصمیم‌گیری درباره تغییر محل هفتمین اجلاس سران از بغداد به محل دیگر بود. وزیر امور خارجه در آستانه شرکت در این اجلاس طی مصاحبه‌ای اعلام کرد:

«شاهد هستیم که موجی از واقع‌بینی در کشورهای عضو جامعه عدم تعهد پدید آمده و در حال گسترش است و این کشورها باید متوجه باشند که کنفرانس سران غیرمتعهد نمی‌بایستی در پایتخت رژیم که هیچ‌گونه امنیت، اعتبار و ثباتی در آینده ندارد، برگزار شود. تشکیل این اجلاس در بغداد به این مفهوم است که رژیم صدام که این همه ظلم و جور بر علیه امت مسلمان انجام داده، به مدت سه سال رئیس جنبشی می‌شود که قریب به ۱۰۰ عضو دارد و شایسته نیست این رژیم حتی یک روز دیگر به حیات خودش ادامه دهد، چه رسد به اینکه رئیس سازمان جنبش عدم تعهد شود» (ایران و جنبش عدم تعهد به روایت اسناد...، ۱۳۹۱: ۱۸۶).

فضای حاکم بر کنفرانس وزیران خارجه تحت‌الشعاع پیروزی تاریخی رزمندگان اسلام در جبهه‌های جنگ و آزادی خرمشهر بود، اما عراقی‌ها تلاش‌های فراوانی را برای تغییر آن به نفع خودشان انجام داده بودند. دکتر ولایتی در مورد تلاش‌ها و تمهیدات عراق و تلاش خودش برای خنثی نمودن آن می‌گوید:

«در یکی از جلسات قبلی وزرای جنبش عدم تعهد که در دهلی برگزار شده بود (قبل از اینکه مسئولیت وزارت امور خارجه به اینجانب محول شود) هیئتی از ایران به اجلاس اعزام شد. آنها تعریف می‌کردند، زمانی که به دهلی نو رسیدند، دیدند که نشریات، اسناد و حتی کتاب‌های چاپ شده‌ای توسط عراقی‌ها، به وفور تهیه و به زبان‌های مختلف در بین اعضای نهضت توزیع شده است با این پیام که اینها اسناد محکومیت ایران است. آنها می‌خواستند بر اساس آن نشریات جعلی، چنین وانمود کنند که ایران در این جنگ متجاوز و مقصر و عراق مظلوم است. سراسر کتاب‌های آنها نیز این مفهوم ساختگی را القا می‌کرد که عراق در این جنگ از خود در مقابل متجاوز دفاع می‌کند. با توجه به اینکه ذهن اعضای جنبش بر اثر تبلیغات سوء و مغرضانه قبلی عراق مسموم شده بود، در این اجلاس اینجانب در سخنرانی خود به نمایندگی از طرف جمهوری اسلامی ایران، تجاوز عراق را نقض بارز یکی از اصول جنبش که عبارت است از احترام به استقلال و حاکمیت کشورها خواندم و عمل تجاوزگرانه عراق و انهدام شهرها



و روستاهای بی دفاع را خلاف منشور سازمان ملل متحد و اصول پذیرفته شده حقوق بین الملل نامیدم و افزودم که فتح خرمشهر و هویزه اسناد تازه‌ای از این جنایات را آشکار ساخته است. همچنین از نمایندگان حاضر در اجلاس دعوت کردم برای مشاهده آثار جنایات رژیم عراق به ایران بیایند. در این سخنرانی تأکید کردم ایران هیچ گونه انگیزه‌ای برای تصرف سرزمین‌ها و دخالت در امور داخلی همسایگان خود - که اینک توسط وسایل خبری غربی تبلیغ می‌شود - ندارد. در صورت برگزاری اجلاس در بغداد، جمهوری اسلامی ایران در آن شرکت نخواهد کرد و ریاست جنبش را نیز به رسمیت نخواهد شناخت» (ولایتی، ۱۳۷۶: ۱۲۶ - ۱۲۵).

وزیر امور خارجه در جریان این اجلاس با وزیر خارجه کوبا دیدار کرد و در مورد کنفرانس آینده سران عدم تعهد به وی گفت: «ما بر تشکیل اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد تأکید می‌کنیم، اما مخالف برگزاری آن در بغداد هستیم و در این مورد دلایل بسیاری داریم که خود شما بعضاً بر آنها گواهد، مانند بمباران مناطق مسکونی شهرها و روستاها، آواره نمودن بیش از دو میلیون نفر از هم‌میهنان ما و زیر پا نهادن تمام قوانین بین‌المللی و موارد بسیار دیگر و اخیراً حمله به هواپیمای مرحوم محمدبن یحیی، وزیر امور خارجه الجزایر که هواپیمای مسافربری بود. با توجه به ارتکاب چنین جنایتی و همچنین ادامه آن، به نظر جمهوری اسلامی ایران کنفرانس غیرمتعهدها نمی‌بایست در بغداد برگزار شود که با در نظر گرفتن مسائل فوق و با توجه به موج مقابله مردم عراق با رژیم حاکم بر این کشور این مسئله نه تنها نمی‌تواند ارزشی برای جنبش غیرمتعهدها به ارمغان آورد، بلکه قطعاً آن را تضعیف خواهد کرد» (همان: ۱۹۰ - ۱۸۹). نماینده ایران در سازمان ملل متحد نیز که در این اجلاس حضور داشت طی سخنانی در جلسه کمیته سیاسی دفتر هماهنگی وزرای خارجه کشورهای غیرمتعهد، ضمن برشماری موارد نقض اصول غیرمتعهدها از سوی عراق، در مورد انتخاب بغداد برای میزبانی هفتمین اجلاس سران عدم تعهد گفت: «بغداد به هیچ وجه جای امنی برای برگزاری کنفرانس غیرمتعهدها نخواهد بود، شهری که مبارزه و مقاومت مردم در آن در حال اوج گرفتن است. ما به بغداد نخواهیم رفت. خیلی از کشورهای دیگر به طور غیرآشکار به ما گفته‌اند آنها نیز مایل نیستند به بغداد بروند. ما مطمئن هستیم که خیلی از آنها به بغداد نخواهند رفت. ما برای حفظ وحدت که آن را مهم‌ترین بحث غیرمتعهدها می‌دانیم، معتقدیم که کنفرانس سران باید در محل دیگری تشکیل شود» (ایران و جنبش عدم تعهد به روایت اسناد...، ۱۳۹۱: ۱۹۱ - ۱۹۰).

صدام اقدامات دیگری نیز برای کسب موافقت اعضای مؤثر جنبش برای میزبانی اجلاس هفتم سران انجام داد. در این زمینه دو موضوع محرز بود. یکی اینکه پیمانکاری احداث محل

اجلاس و تجهیزات فنی آن در بغداد را به پیمانکاران یوگسلاوی داده بود. دیگر اینکه قصد داشت با کمک اقتصادی به کوبا، نظر مثبت آنها را در این زمینه جلب کند (ولایتی، ۱۳۹۰: ۵۹۰). در نهایت، در مورد تغییر محل اجلاس سران، در نشست وزیران خارجه اعلام شد که چون تصمیم در مورد تعیین بغداد به عنوان محل برگزاری هفتمین اجلاس سران، قبلاً توسط رؤسای کشورهای غیرمتعهد در ششمین اجلاس سران اتخاذ شده است، لذا تصمیم در این مورد از صلاحیت اجلاس وزرا خارج است. در بیانیه پایانی و نهایی کنفرانس نیز قید گردید: «باتوجه به آمادگی کشور میزبان، هفتمین اجلاس سران در بغداد برگزار خواهد شد» (ولایتی، ۱۳۷۶: ۱۲۷ - ۱۲۶).

با همه این اتفاقات، دستگاه دیپلماسی ایران به تلاش‌های خود ادامه داد. عراق نیز بیش از پیش به دامنه تلاش‌های دیپلماتیک و سایر تمهیدات خود افزود. از جمله، با سرمایه‌گذاری و آماده کردن سریع تأسیسات و تهیه عاجل و زودرس پیش‌نویس بیانیه اجلاس، کوشید که کشورهای عضو را در مقابل عمل انجام شده قرار داده، شرایط روانی را برای برگزاری اجلاس در بغداد آماده کند. به عبارت دیگر، عراق با این اقدامات و تحرکات و در نهایت با در دست گرفتن ریاست جنبش عدم تعهد در آن مقطع مهم تاریخی، یک وجهه بین‌المللی مؤثر یافته و از عنوان «متجاوز» می‌گریخت. عراق با استفاده از اهرم فشار بزرگ‌ترین مجمع جهان سوم و با برخورداری از موقعیت دیپلماتیک مناسب در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به‌واسطه ریاست عصمت کتانی عراقی بر مجمع در سال‌های ۱۹۸۲ - ۱۹۸۱، می‌توانست بیشترین فشار بین‌المللی را علیه جمهوری اسلامی ایران بسیج کند و فضای روانی و تبلیغاتی جهانی را به‌واسطه اعمال ریاست بر یک مجموعه بین‌المللی خوشنام و به اصطلاح معنوی یا اخلاقی، علیه ایران مشوش نماید و در همه صحنه‌های بین‌المللی از موضع موجه و بالاتری با ایران برخورد کند. البته باید تمایل عراق به رهبری منطقه را هم به اینها افزود. اوج تلاش عراق این زمانی بود که صدام با ارسال نامه‌ای به آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت ایران از ایشان خواست تا در هفتمین اجلاس سران در بغداد شرکت کند (ولایتی، ۱۳۷۶: ۱۲۷).

راهبرد سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از میزبانی عراق

در شرایطی که تلاش‌های صرفاً دیپلماتیک ایران نتوانسته بود پروسه برگزاری اجلاس سران را متوقف کند بکارگیری راهبردی تلفیقی و همزمان از توان سیاسی و نظامی برای اختلال در روند برگزاری اجلاس مذکور در دستور کار افراد و نهادهای ذی‌ربط قرار گرفت. در سطح سیاسی، وزیر امور خارجه به منظور خنثی‌سازی اقدامات عراق و متقاعد کردن



کشورهای غیرمتعهد به تغییر محل اجلاس سران از بغداد به جایی دیگر، ۶ ملاقات با سران کشورها، ۳۰ ملاقات با وزیران امور خارجه کشورهای عضو انجام داد و برای ۱۳ وزیر خارجه نیز از طریق اعزام نمایندگان ویژه پیام فرستاد و ملاقات‌های گوناگونی نیز با نمایندگان سایر کشورهای غیرمتعهد انجام داد. بنا به اظهار خودش در مجموع ۳۵۰ ملاقات در این زمینه صورت گرفت (همان: ۱۲۹).

در نهایت، وزیر امور خارجه طی نامه‌ای به رئیس جمهور در تاریخ ۵ تیر ۱۳۶۱ با جمع‌بندی اقدامات صورت گرفته و همچنین با محاسبه اقدامات و تمهیدات عراق برای میزبانی و عدم موفقیت در اجلاس وزرای خارجه جنبش برای تغییر محل اجلاس و نزدیک شدن به زمان تصمیم‌گیری نهایی در مورد محل هفتمین اجلاس سران، پیشنهاد کرد:

«به‌قرار اطلاع از نمایندگی ایران در سازمان ملل در نیویورک، نمایندگی عراق از تمام نمایندگی‌ها دعوت نموده که یک مسئول امنیتی و یک مسئول تشریفات خود را جهت بازدید از امور مربوط به برگزاری کنفرانس سران به بغداد بفرستند. اطلاع دارید که کنفرانس سران برای بغداد از خرمشهر کمتر نیست و می‌دانید که سرنوشت محل برگزاری کنفرانس را یک حرکت نظامی می‌تواند روشن کند» (ایران و جنبش عدم تعهد به روایت اسناد...، ۱۳۹۱: ۳۹۵).

ایران با پیروزی در جنگ و بازپس‌گیری خرمشهر، امتیاز بزرگی را از عراق گرفته بود. در واقع، خرمشهر تکیه‌گاه عراق برای مذاکره با ایران و برگ برنده‌ای بود که می‌توانست از طریق آن فشار لازم را برای ایران وارد کند. صدام می‌خواست علاوه بر سایر امتیازاتی که اجلاس سران برای وی داشت، اثرات عقب‌نشینی تحقیقاتی از خرمشهر را نیز کم‌رنگ‌تر کند (درودیان، ۱۳۸۳: ۵۵).

قبل از اجرای پیشنهاد فوق، از نظر ناامن نشان دادن بغداد اقدامات مهمی از سوی ایران صورت گرفت. عملیات رمضان که از ۲۳ تیر ۱۳۶۱ آغاز شد و ۱۵ روز به طول انجامید و هدفش دور کردن آتش دشمن از شهرهای جنوبی و همچنین اخطار جدی برای عراق بود، فشارهای جدیدی بر اعضای جنبش وارد کرد (حسن‌زاده و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۸۲). در ۳۰ تیر ۱۳۶۱ عملیات منحصربه‌فرد خلبانان نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران به فرماندهی شهید عباس دوران در بمباران پالایشگاه دوره در جنوب شرقی بغداد و کوبیدن هواپیمای آسیب دیده توسط عباس دوران به ساختمان اجلاس سران و ناامن کردن آسمان بغداد، به تبلیغات عراقی مبنی بر تعبیر از بغداد به عنوان دژ نفوذناپذیر خط بطلان کشید و تردیدها را نزد اعضای جنبش بشدت افزایش داد. می‌توان گفت که پیشنهاد وزیر امور خارجه به رئیس جمهور، یکی از تاریخی‌ترین پیشنهادهای نظامی از سوی یک مقام دیپلماتیک و حمله

هوایی مذکور، سیاسی‌ترین حمله هوایی تاریخ ایران بوده است. در واقع، در این رخداد بسیار مهم، عملیات نظامی موجب به نتیجه رسیدن تلاش‌های دیپلماتیک شد که حاکی از تحلیل دقیق و درست دستگاه دیپلماسی از شرایط موجود و دستاوردهای مؤثر یک پیشنهاد به‌موقع بود. در نهایت، بمب‌گذاری مخالفان داخلی صدام در ساختمان وزارت برنامه‌ریزی عراق که قبل از اجلاس سران صورت گرفت، تردیدها را در مورد احتمال ناامنی بغداد به یقین تبدیل کرد؛ به‌طوری که فیدل کاسترو، رئیس‌جمهور کوبا در ۱۱ مرداد ۱۳۶۱/۲ اوت ۱۹۸۲ طی نامه‌ای به رئیس‌جمهور کشورمان اعلام کرد که برای تغییر محل اجلاس سران از بغداد به پایتخت دیگر متقاعد شده است، لیکن ضرورت دارد کنفرانس وزیران خارجه جنبش برای اتخاذ تصمیم در این مورد برگزار گردد (ولایتی، ۱۳۷۶: ۱۳۰ - ۱۲۹).

تغییر محل برگزاری هفتمین اجلاس سران جنبش از بغداد به دهلی نو

در تاریخ ۱۶ مرداد ۱۳۶۱/۷ اوت ۱۹۸۲ در اجلاس سران سازمان وحدت آفریقا، رهبران آفریقایی در مورد اجلاس بغداد اظهار شک و تردید کردند و حتی هیله ماریام، رئیس‌جمهور اتیوپی اعلام کرد که در اجلاس بغداد شرکت نخواهد کرد. بنابراین، در ۱۸ مرداد ۱۳۶۱/۹ اوت ۱۹۸۲ وزیر خارجه کوبا به هند سفر کرد تا با مقامات هندی درباره تغییر محل اجلاس گفتگو و مذاکره نماید. سرانجام خود عراق و شخص صدام حسین به این نتیجه و جمع‌بندی رسید که برگزاری کنفرانس در بغداد ممکن نیست و صدام با تغییر محل کنفرانس موافقت کرد و رسماً از هند خواست تا میزبانی اجلاس هفتم سران جنبش عدم تعهد را بر عهده بگیرد. روز بعد، وزارت خارجه هند اعلام کرد که هند میزبانی اجلاس سران را پذیرفته است. عاقبت در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۲ / ۱۷ شهریور ۱۳۶۱ اجماع نظر اعضای جنبش عدم تعهد درباره تغییر محل هفتمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد از بغداد به دهلی نو اعلام شد (امینی فر، ۱۳۸۴: ۲۴). دکتر ولایتی اهداف صدام را از موافقت با تغییر محل کنفرانس به شرح زیر برمی‌شمارد: «خود را به جنبش عدم تعهد و اصول آن وفادار نشان داده و وانمود کند که مصالح جنبش را بر هر امر دیگری مقدم می‌شمارد.

- بر شکست خود در خصوص برگزاری اجلاس در بغداد سرپوش بگذارد.

- حالت حق به جانب به خود گرفته و مظلوم‌نمایی کند» (ولایتی، ۱۳۷۶: ۱۳۰).

کوبا یکی از کشورهایی بود که در کنار سوریه نسبت به کشورهای دیگر، تلاش و تمایل بیشتری برای تغییر محل کنفرانس سران از بغداد به پایتخت دیگری داشت. عاقبت نیز مالمریکا، وزیر خارجه کوبا در دیدارش با وزیر امور خارجه کشورمان در ۱۸ مهر ۱۳۶۱



اعلام کرد که هفتمین کنفرانس غیرمتعهدها در سطح سفرا در اول مارس، در سطح وزیران خارجه ۳ و ۴ مارس و در سطح سران در ۷ تا ۱۱ مارس ۱۹۸۳ در دهلی نو برگزار خواهد شد (همان: ۱۵۵). موفقیت در تغییر محل هفتمین اجلاس غیرمتعهدها از بغداد به دهلی نو از اولین و بزرگترین موفقیت‌های نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌ویژه در دوره ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای بود.

تلاش عراق برای میزبانی هشتمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد

عراق پس از منتفی شدن میزبانی بغداد برای هفتمین اجلاس سران غیرمتعهدها که نشانه‌ای از غالب آمدن دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران بود، سعی کرد میزبانی هشتمین اجلاس سران را از آن خود کند. در آن زمان این امیدواری وجود داشت که تا زمان برگزاری اجلاس هشتم سران، جنگ عراق با ایران پایان یابد. اما از نظر جمهوری اسلامی ایران، عراق همچنان صلاحیت میزبانی و ریاست جنبش عدم تعهد را نداشت. هیئت ایرانی بر این نکته آگاه بود که تصمیماتی که در مجامع بین‌المللی گرفته می‌شود تا حد زیادی به نظر کشور میزبان و رئیس دوره‌ای آن مجامع بستگی دارد؛ لذا، مصمم بودند به عراقی‌ها اجازه ندهند در صحنه بین‌المللی تصمیم‌گیرنده باشند (ولایتی، ۱۳۹۰: ۵۹۰). بنابراین، هیئت ایرانی شرکت‌کننده در هفتمین اجلاس سران در دهلی نو نهایت تلاش خود را به کار گرفت تا برگزاری هشتمین اجلاس در عراق به تصویب نرسد. رئیس کمیته سیاسی اجلاس از یوگسلاوی بود و به علت روابط خوب یوگسلاوها با عراق در آن مقطع، ایران از جانبداری آنها از میزبانی عراق نگران بود. در جلسه مربوطه از ۵۷ کشور حاضر، ۵۳ کشور به نفع عراق صحبت کرده بودند. فقط چهار کشور ایران، لیبی، سوریه و کره شمالی با برگزاری اجلاس سران در بغداد مخالف بودند. علی‌اکبر ولایتی، وزیر خارجه وقت جمهوری اسلامی ایران آن لحظات تصمیم‌گیری و تلاش‌های نهایی هیئت ایرانی در آخرین جلسه تصمیم‌گیری در مورد محل اجلاس هفتم را چنین بازگو می‌کند:

«جلسه از ابتدای شب شروع شد و تقریباً تا ساعت شش صبح ادامه داشت. از ۵۷ کشور، ۵۳ کشور به نفع عراق صحبت کرده بودند. فقط چهار کشور ایران، لیبی، سوریه و کره شمالی با برگزاری اجلاس سران در بغداد مخالفت کردند. وضعیت جلسه به سمتی می‌رفت که که رئیس کمیته سیاسی چکش را بزند و بگوید: «در مورد بغداد اجماع حاصل است...». شاید شب از نیمه گذشته بود که آقای اکبر خلیلی، سفیر ایران در هند را به محل سالن اجتماعات اجلاس فراخواندم و از او خواستم به خانم ایندیرا گاندی تفهیم کند که اگر



۱۶۰

سال دوم
شماره ۶
تابستان ۱۳۹۲



میزبانی بغداد مورد تصویب قرار گیرد، فوراً علیه عملکرد بد غیرمتعهدها و نحوه نامناسب اداره جلسه، مصاحبه خواهم کرد و به دنبال آن خروج ایران را از نهضت عدم تعهد اعلام خواهم کرد. برای اینکه این نحوه اتخاذ تصمیم یک بی‌عدالتی آشکار است. آقای اکبر خلیلی، سفیر ایران در هند این مطلب را به خانم گاندی گفت. دیری نگذشت که خبر آوردند خانم گاندی درخواست کرده جهت مذاکره به دفتر رئیس اجلاس برویم. دیدم آقای یاسر عرفات هم (ظاهراً برای اینکه میانجی بشود) آنجا نشسته است. آقای عرفات به خانم گاندی گفت: «من این علی‌اکبر را از قدیم می‌شناسم...» و شروع به این گونه تعارفات کرد. به هر حال، بعد از مذاکرات مفصل با خانم گاندی و توضیح و تشریح معایب تصمیمی که قرار بود اتخاذ شود، از اتاق خارج شدم. بعداً مطلع شدیم که آقای عرفات به نمایندگی از طرف خانم گاندی به کمیته سیاسی رفته و اظهار داشته که تعیین اجلاس بعدی در بغداد، عملی نیست. طارق عزیز با عصبانیت اعتراض می‌کند: «ما در اینجا اجماع رأی به دست آورده‌ایم. چطور ممکن است که من از این موضع عقب‌نشینی کنم». ولی ظاهراً با مشورتی که خانم گاندی با فیدل کاسترو و یوگسلاوها کرده بود، به این نتیجه رسیدند که بگویند: «فعالاً تصمیم نگیریم تا مسئله به اجلاس بعدی وزرای امور خارجه که در آنگولا تشکیل خواهد شد موکول شود». در جریان جلسه، ما مترصد بودیم تا مبادا غیر از این تصمیمی بگیرند. جلسه تا ساعت ۳ صبح ادامه یافت. تقریباً در همین هنگام بود که خانم گاندی جلسه عمومی را که ضمناً جلسه اختتامیه نیز بود، تشکیل داد. ما هم گوش به‌زنگ بودیم که آنچه در کمیته سیاسی تصمیم‌گیری شده بود در این جلسه نهایی شود. بعد از اینکه گزارش‌های مختلف قرائت شد و تعارفات و تشریفات مربوطه به‌عمل آمد، تصمیم گرفته شد اجلاس بعدی وزرا که قرار بود دو سال بعد در آنگولا باشد، در این مورد تصمیم بگیرد... این شب یک شب تاریخی و بسیار سرنوشت‌ساز برای ما بود؛ زیرا، تحمل اینکه اجلاس هشتم در عراق تشکیل شود، آن‌هم در حالی که خاک ما در اشغال آن کشور است برای ما، مردمان و رزمندگانی که از خاک کشورمان دفاع می‌کردند و با گذشت و ایثار جان خود را فدا کرده بودند و خانواده شهدا بسیار سنگین بود. بدیهی است که چنین اتفاقی تأثیر اجتماعی و روحی بسیار سوئی برای مردم ما داشت» (ولایتی، ۱۳۷۶: ۱۳۳ - ۱۳۲).

بدین ترتیب، با تلاش و پیگیری‌هایی که در آن جلسه تاریخی از سوی وزارت امور خارجه کشورمان در سطوح مختلف شد، جمهوری اسلامی ایران موفق شد بار دیگر عراق را از امتیاز میزبانی اجلاس سران جنبش عدم تعهد محروم سازد و به یک موفقیت دیپلماتیک و سیاسی مهم نایل شود.

نتیجه‌گیری

تغییر محل برگزاری هفتمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد از بغداد به دهلی نو و پس از آن موفقیت در جلوگیری از تعیین بغداد به عنوان میزبان هشتمین اجلاس سران، موفقیت بزرگی برای دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در آن مقطع تاریخی حساس و مهم بود و به جرأت می‌توان گفت که بزرگ‌ترین موفقیت دستگاه دیپلماسی کشور در دوره ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای نیز بود. این موفقیت به جهانیان نشان داد که جمهوری اسلامی ایران به دوران تثبیت خود در عرصه سیاست خارجی وارد شده و توانایی تأثیرگذاری و تغییر در معادلات بین‌المللی را در سطوح گوناگون و بالاترین سطح دارد و این ثبات و توانایی از ثبات و پیشرفت و توسعه داخلی نشأت می‌گیرد. قبل از این نیز آزادی خرمشهر برتری نظامی ایران را اثبات کرده بود.

از زاویه‌ای دیگری نیز موفقیت‌های دیپلماتیک جمهوری اسلامی معنا و مفهوم پیدا می‌کند. تلاش‌های ایران در جلوگیری از میزبانی و ریاست عراق بر جنبش عدم تعهد از جمله اقداماتی محسوب می‌شود که در سوق دادن جنبش به سوی عمل‌گرایی و جلوگیری از فاصله گرفتن از اصول اساسی و اولیه آن مؤثر بود. همچنین این نکته مهم ثابت شد که جمهوری اسلامی ایران از معدود کشورهای مستقل، غیروابسته و غیرمتعهد عضو جنبش می‌باشد. حضور مؤثر ایران در هشتمین اجلاس سران در همراهی که ایران در عالی‌ترین سطح یعنی رئیس‌جمهور در آن شرکت کرد و تلاش‌ها و اقدامات هیأت ایرانی در سوق دادن جنبش به استقلال واقعی و عمل‌گرایی، در واقع مکمل اقداماتی بود که در مقاله حاضر مورد بررسی قرار گرفت.

این موفقیت ارزشمند در عرصه دیپلماتیک، نشان داد که تمرکز صرف بر حوزه اقدامات نظامی یا سیاسی نمی‌تواند دستاوردهای پایدار و نهادینه شده‌ای را به همراه داشته باشد. موفقیت به دست آمده حاصل اقداماتی هماهنگ و هوشمند در عرصه سیاست و عرصه نظامی بود، مسأله‌ای که می‌تواند در موضوع پرونده هسته‌ای ایران نیز مورد توجه قرار گیرد، پیشرفت و دستاوردهای حاصل شده در زمینه فنی و تکنولوژیک باید با ابتکارات سیاسی و دیپلماتیک در سازمان‌های بین‌المللی و عرصه سیاست خارجی همگام باشد تا بتواند منافع ملی کشور را محقق کند.



۱۶۲

سال دوم
شماره ۶
تابستان ۱۳۹۲

منابع

- اسماعیلی، خیرالله (۱۳۸۰) **دولت موقت**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- امینی فر، شهلا (۱۳۸۴) «ایران، NAM، عراق؛ جنبش عدم تعهد و جنگ ایران و عراق»، **ماهنامهٔ زمانه**، سال چهارم، شماره ۲۶ (شهریور ۱۳۸۴).
- مرکز پژوهش، سنجش و اسناد ریاست جمهوری (۱۳۹۱) **ایران و جنبش عدم تعهد به روایت اسناد از باندونگ تا تهران**، تهران: نشر جمهور ایران.
- جنتلسون، بروس (۱۳۸۹) «دیپلماسی اجبار؛ گستره و محدودیت‌ها در دنیای معاصر»، ترجمه: ناصر اسدی، **پژوهشنامهٔ خلع سلاح**، شمارهٔ اول.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۱) «نظریهٔ والتز و سیاست خارجی ایران: مطالعهٔ مقایسه‌ای دوران جنگ سرد و دوران پسا جنگ سرد»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال شانزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱.
- حسن‌زاده و دیگران (۱۳۸۶) **حماسه ایران: تاریخ هشت سال دفاع مقدس**، تهران: لک‌لک.
- حسینی ترکستانی، امیرحسین (۱۳۸۹) «قاعدهٔ نفی سبیل اصل حاکم بر سیاست خارجی»، **فصلنامهٔ کوثر معارف**، سال ششم، شمارهٔ ۱۳، بهار ۱۳۸۹.
- حزب جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴) **چهار سال با مردم**، تهران: شرکت افست.
- روزنامهٔ کیهان**، ش ۱۱۵۰۰ (۱۳۶۰/۱۱/۱۳)؛ همان، ش ۱۱۵۰۴ (۱۳۶۰/۱۱/۱۹).
- درویدیان، محمد (۱۳۸۳) **سیری در جنگ ایران و عراق**، تهران: مرمر مطالعات و تحقیقات جنگ، چ هشتم.
- صالحی، محمد (۱۳۹۱) «جنبش غیرمتعهدها، از ابتدا تا پانزدهمین اجلاس وزرای خارجه»، در **مقاله‌شناسی جنبش عدم تعهد** (سیری بر آراء و دیدگاه‌های پژوهشگران علمی کشور)، تهران، نشر جمهور ایران.
- عبدالرشیدی، علی‌اکبر (۱۳۶۵) **جنبش عدم تعهد از آغاز تا سال ۱۹۸۵**، تهران: سروش.
- عبدالرشیدی، علی‌اکبر (۱۳۹۰) **جنبش عدم تعهد**، تهران: سروش، چاپ دوم.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران** (۱۳۶۹) تهران، ادارهٔ کل قوانین و مقررات کشور.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۲) **اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل**، تهران: سمت.
- گنجی‌دوست، محمد (۱۳۸۷) «تحولات دیپلماسی در عصر اطلاعات»، **فصلنامهٔ سیاست**، دورهٔ ۳۸، شمارهٔ ۱، بهار ۱۳۸۷..



مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴) تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، سمت.
مصاحبه با دکتر علی‌اکبر ولایتی.
مصاحبه‌ها (۱۳۶۶) مجموعه مصاحبه‌های حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه‌ای رئیس‌جمهور اسلامی
ایران در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲، تهران: سروش.
مورگنتا، هانس جو کیم (۱۳۷۴) سیاست میان ملت‌ها: تلاش در راه قدرت و صلح، ترجمه: حمیرا مشیرزاده،
تهران: وزارت امور خارجه.
نوازنی، بهرام (۱۳۸۱) گاه‌شمار سیاست خارجی ایران از دی ماه ۱۳۵۶ تا مرداد ماه ۱۳۶۷، جلد ۱، تهران: مرکز
اسناد انقلاب اسلامی.
ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۷۶) تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر نشر
فرهنگ اسلامی.
ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۹۰) حرفی از هزاران: مجموعه مقالات، گفتگوها و سخنرانی‌ها، تهران: امیرکبیر.
ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۸) روزگاری شد که...؛ یادداشتهای دوره وزارت خارجه، دفتر نخست: آذر ۱۳۶۰ تا آبان
۱۳۶۴، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی،.
هدایتی خمینی، عباس (۱۳۶۵) نگاهی به جنبش عدم تعهد، سفارت جمهوری اسلامی ایران در حراوه.



۱۶۴

سال دوم
شماره ۶
تابستان ۱۳۹۲